



وابسته به خدای متعال است، تدبیر یا همان هدایت تکوینی الهی نیز وابستگی کاملی به خدا دارد. روشن است اتکا و وابستگی به خدایی دانا و توانا، هرگونه تفسیر غیرتعیین گرایانه را نمی تواند تحمل کند. با چنین تفسیر دقیقی از علامه طباطبایی، برداشت هایی از قبیل دئیسم یا تفکیک علل اولیه و ثانویه، و یا کوتاه کردن دست خدا از مداخله در طبیعت، به کلی کنار می رود.

۳. انسان برگزیده آفرینش و یا انسان درخت حیات

برخی اندیشه درخت حیات داروین را اصلی بسیار مهم در نظریه تکامل می دانند که به صورت تصویری، تنها نموداری است که وی در کتاب خود ترسیم کرده است. الیوت سوبر نظریه تکامل را درخت حیات از طریق سازوکار انتخاب طبیعی دانسته است.^{۱۷} در خصوص طبقه بندی موجودات زیستی، چه قبل از داروین و چه بعد از وی، کارهای متنوعی انجام شده است. برخی آرایه بندی موجودات زنده را اصلی ترین محور در زیست شناسی می دانند. برای داروین نیز این مسئله حائز اهمیت است. خوانندگان را به تحقیقات علمی وسیعی که درباره درخت تبارزایی (فیلولوژیک) گفته شده، ارجاع می دهیم. نکته قابل تأمل در بحث ما این است که درخت حیات در دوره های مختلف زمین شناسی تغییرات سهمگینی داشته است که حاصل آن انقراض گونه های فراوان و خصیصه های متنوع و بقای دیگر گونه ها بوده است.

براساس زیست شناسی تکاملی آنچه رخ داده است، برابند نیروهای متفاوت، چه از درون ارگانیزم های زیستی و چه براساس شرایط محیطی است. در حقیقت شرایط زیستی می توانست به گونه ای باشد که گونه های انقراضی یا ماندگار، کاملاً متفاوت می بود. در دسته نخستی سان ها که انسان و برخی پستانداران دیگر از قبیل انواع میمون ها، گوریل ها، شامپانزه ها، اوران کوتان ها در آن قرار دارند نیز وضع بر همین منوال است.

در شاخه کوچک تر انسان ها نیز کاملاً محتمل بود که انسان هوشمند منقرض

می دهد. حتی با صرف نظر از آفرینش گرایی و با کنار گذاشتن بقیه مشکلات ناشی از این رویارویی، هدایت تکوینی حتی اگر آن را تدریجی و مرحله به مرحله بدانیم، مستلزم شعورمندی است و بنابراین در ناسازگاری کامل با لاشعوری طبیعت قرار می گیرد.

هر نوع از انواع موجودات مسیر خاصی در طریق استکمال وجود دارند و آن مسیر هم دارای مراتب خاصی است که هر یک مرتب بردیگری است تا منتهی به عالی ترین مرتبه که همان غایت و هدف نهایی نوع است و نوع با طلب تکوینی نه ارادی در طلب رسیدن به آن است. و از همان ابتدا که داشت تکوون می یافت مجهز به وسایل رسیدن به آن غایت است. و این توجه تکوینی از آنجا که مستند به خدای تعالی است نامش را هدایت عام الهی می گذاریم و این هدایت تکوینی در هدایت هیچ نوعی از مسیر تکوینی آن خطا نمی رود، بلکه استعمال تدریجی و به کار بستن قوا و ادراکاتی که مجهز به آنها است برای آسانی مسیر آن را به غایت نهایی سوق می دهد. هم چنان که فرموده *قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ حُلُقَهُ ثُمَّ هَدَى (طه/۵۰)*.^{۱۸}

علامه طباطبایی خلقت را مستلزم تدبیر می داند و معتقد است وقتی خلقت

چیزی در طبیعت نتیجه قوانینی ثابت است.^{۱۹}

۲. انتخاب هوشمند یا انتخاب لاشعور

مرحوم نورالدین فرهیخته تنها مترجم کتاب منشأ گونه ها به فارسی تاکنون کلمه «unconscious» در متن اصلی را که در توصیف انتخاب طبیعی و همچنین در چند جا در توصیف انتخاب مصنوعی به کار رفته، به «لاشعور» ترجمه کرده است. انتخاب طبیعی لاشعور و به تعبیر رساتر غیر هوشمند، تلقی داروین و تکامل گرایان از این اصل زیست شناختی را روشن می کند. این در حالی است که در ادبیات خدا باوری کلاسیک و همچنین آنچه در ادیان الهی گفته می شود، تأکید بر شعورمندی تمامی اجزای طبیعت و همچنین نظام کل طبیعت بسیار جدی است. به نظر مؤلف در خصوص واکنش به چالش های ناشی از تکامل داروینی، نظرات علامه طباطبایی یکی از محکم ترین پاسخ ها است، نه به این دلیل که می توان به راحتی از اعتراض مستقیم یا غیرمستقیم ایشان به دستاوردهای علمی دفاع کرد؛ بلکه بدین جهت که وی راه انحلال و تغییر در دیدگاه های اصیل خدا باورانه را پیش گرفته است. رجوع به آرای مرحوم مرتضی مطهری و نمونه غربی آن الوین پلانتنینگا، این تفاوت را به خوبی نشان می دهد.^{۱۵}

تأکید علامه طباطبایی بر هدایت تکوینی، تقابل روشن و حل ناشدنی سازوکار تغییرات زیستی غیر هوشمند با شعورمندی و غایت محوری را نشان